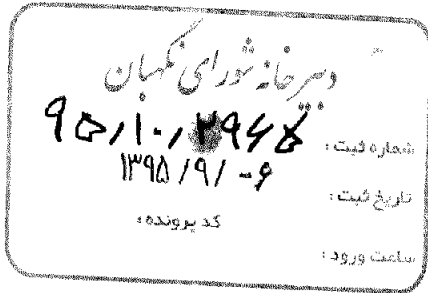


شماره: ۱۰۸/۶۵۹۵۶

تاریخ: ۹۵/۰۸/۲۹

پیوست:



حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران لایحه موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب به منظور اجتناب از

اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد که به مجلس شورای اسلامی

تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۴ مجلس با

اصلاحاتی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد.

علی لاریجانی

لایحه موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد

ماده واحده- موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد مشتمل بر یک مقدمه و بیست و نه ماده، به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره ۱- هزینه‌های مالی موضوع بند (۴) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲- در اجرای بندهای (۲)، (۳) و (۴) ماده (۲۵) این موافقتنامه رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی مغرب با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲- مالیات‌های موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات‌های بر درآمد است که صرف‌نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارت است از کلیه مالیات‌های بر کل درآمد یا اجزای درآمد از جمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه

۳- مالیات‌های موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف- درمورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد

ب- درمورد پادشاهی مغرب:

- مالیات بر درآمد عمومی

- مالیات بر شرکتها

۴- این موافقتنامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء نماید:

الف- اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا مغرب اطلاق می‌شود.

ب- اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

پ- اصطلاح «مغرب» به پادشاهی مغرب اطلاق می‌شود و از نظر جغرافیایی «مغرب» شامل موارد زیر خواهد بود:

- قلمرو پادشاهی مغرب، دریای سرزمینی آن و

- مناطق دریایی ماورای دریای سرزمینی، شامل بستر دریا و زیر بستر آن (فلات قاره) و منطقه انحصاری اقتصادی که مغرب حقوق حاکمیت خود را مطابق با قوانین داخلی خود و حقوق بین‌الملل از لحاظ اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی مناطق مزبور اعمال می‌کند.

ت- اصطلاح «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت، مشارکت و هر مجموعه دیگری از افراد می‌باشد.

ث- اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به‌عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.

ج- اصطلاح «مؤسسه یک دولت متعاهد» و «مؤسسه دولت متعاهد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به‌وسیله مقیم یک دولت متعاهد و مؤسسه‌ای که به‌وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود.

چ- اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، یا وسائط نقلیه هوایی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه‌ای که محل مدیریت مؤثر آن در یک دولت متعاهد باشد انجام می‌شود، به‌استثنای مواردی که کشتی یا وسائط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

ح- اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود،

- در مورد مغرب به وزیر دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

خ- اصطلاح «تبعه» اطلاق می شود به:

- هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاقد را داشته باشد،

- هر شخص حقوقی، مشارکت یا انجمنی که وضعیت قانونی خود را از

قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب می نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، در هر زمان، هر

اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت، در

همان زمان، راجع به مالیات های موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که

اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی

اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت،

محل ثبت، محل مدیریت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و

همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن

خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً

به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر

دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف- او فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی

در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد،

فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری

دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب- هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد

یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد،

فقط مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ- هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، فقط مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت- هرگاه او تابعیت هیچ یک از دولتها را نداشته باشد و یا در صورتی که نتوان براساس بندهای فوق او را مقیم یکی از دولتهای متعاقد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که به موجب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص، فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵- مقرر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقرر دائم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق می شود که از طریق آن، مؤسسه کلاً یا جزئاً به کسب و کار اشتغال دارد.

۲- اصطلاح «مقرر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف- محل اداره

ب- شعبه

پ- دفتر

ت- کارخانه

ث- کارگاه

ج- معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج

و یا بهره برداری از منابع طبیعی

چ- بازار فروش

۳- اصطلاح «مقرر دائم» همچنین شامل موارد زیر است:

الف- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان یا

فعالیت های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، ولی فقط در صورتی که این

کارگاه، پروژه یا فعالیت ها بیش از نه ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

ب- ارائه خدمات از جمله خدمات مشاوره‌ای توسط مؤسسه از طریق کارکنان یا سایر افرادی که به همین منظور توسط مؤسسه به کار گمارده شده‌اند. اما فقط در صورتی که اینگونه فعالیت‌ها (برای همان پروژه یا پروژه مرتبط با آن) در یک دولت متعاقد برای مدت یا جمع مدت‌هایی بیش از شش ماه در هر دوره دوازده‌ماهه ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح «مقر دائم» به موارد زیر اطلاق نخواهد شد:

الف- استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه

ب- نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش

پ- نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر

ت- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه

ث- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، مشروط بر آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۷) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه دولت متعاقد دیگر فعالیت کند، آن مؤسسه در دولت متعاقد نخست نسبت به هرگونه فعالیتی که آن فرد برای مؤسسه مزبور انجام می‌دهد، دارای مقر دائم تلقی خواهد شد، مشروط بر آنکه فرد مزبور:

الف- دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقرر دائم تبدیل نخواهد کرد.

ب- دارای چنین اختیاری نباشد، اما به طور معمول در دولت نخست موجودی کالا یا اجناس را نگهداری کند که از طریق آن به طور منظم کالا یا اجناس را از طرف آن مؤسسه تحویل دهد.

۶- مؤسسه‌ای که صرفاً به سبب آنکه در آن دولت از طریق حق‌العامل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت متعاهد دارای مقرر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع‌ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد و روابط مالی و تجاری بین این عامل و آن مؤسسه متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، از لحاظ این بند او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاهد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقرر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقرر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتی‌ها یا وسائط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که مالک سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت یا شخص حقوقی دیگر، مالک آن سهام یا حقوق شراکتی را محق به استفاده از اموال غیرمنقول آن شرکت یا شخص حقوقی دیگر نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از این حق، مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که اموال غیرمنقول مذکور در آن قرار دارد.

۵- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه به طریق مزبور به کسب و کار پردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت دیگر می‌شود.

۲- با رعایت مقررات بند(۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقرر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقرر دائم در هر یک از دو دولت متعاقد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقرر دائم آن است به همان فعالیت‌ها یا مشابه آنها در همان شرایط یا شرایط مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقرر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرائی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقرر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد. اعم از آنکه در دولتی که مقرر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر. مع ذلک چنانچه مبالغی (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقرر دائم به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق الامتیاز حق الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازاء استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا به عنوان حق العمل برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت یا به عنوان هزینه مالی وام اعطاء شده به مقرر دائم (به استثنای مؤسسات بانکی) به عنوان هزینه قابل قبول منظور نخواهد شد. همچنین در تعیین منافع یک مقرر دائم (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) مبالغ هزینه شده توسط مقرر دائم برای دفتر مرکزی یا سایر دفاتر آن به عنوان حق الامتیاز، حق الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا به عنوان حق العمل برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت یا به عنوان هزینه مالی وام اعطاء شده به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن (به استثنای مؤسسات بانکی) محاسبه نخواهد شد.

۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقرر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند(۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد،

برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول مندرج در این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقرر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقرر دائم نخواهد بود.

۶- از لحاظ مقررات بندهای پیشین، درآمد منظور شده برای مقرر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مفاد این ماده خدشه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد کرد.

ماده ۸- حمل و نقل بین المللی

۱- درآمد حاصل بابت استفاده از کشتی ها یا وسائط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

۲- مقررات بند (۱) نسبت به درآمدهای حاصل از عضویت در یک اتحادیه، تجارت مشترک یا نمایندگی های عملیاتی بین المللی نیز جاری خواهد بود، اما فقط به آن قسمت از درآمدهای حاصله که قابل تخصیص به قدرالسهم بابت مشارکت در فعالیت های مشارکتی باشد.

ماده ۹- مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف- مؤسسه یک دولت متعاهد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد، یا

ب- اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه،

متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شود، ولی به‌علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به‌عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

۳- در صورتی که دادرسی‌های قضائی، اداری یا هر نوع دادرسی قانونی دیگر منتهی به صدور حکم نهائی گردد که اجرای آن موجب تعدیل درآمد به موجب مقررات بند (۱) شود و یکی از مؤسسات مربوط به واسطه تقلب، تقصیر عمدی یا قصور عمدی مشمول جریمه گردد، در این صورت مقررات بند (۲) اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۰- سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- مع‌ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام، مقیم آن دولت متعاقد باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد. این

بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳ - اصطلاح «سود سهام» در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام معدن، سهام مؤسسان یا سایر حقوق، به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع و درآمد حاصل از سایر حقوق شرکتی و نیز سایر درآمدهایی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم‌کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴ - هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵ - در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، به‌جز تا مقداری که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا تا مقداری که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقرر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

۶ - علی‌رغم سایر مقررات این موافقتنامه، در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد دارای مقرر دائم در دولت متعاقد دیگر باشد و منافع مقرر مذکور را

به دفتر مرکزی واقع در خارج از آن کشور منتقل نماید، منافع مشمول مالیات به موجب بند (۱) ماده (۷) ممکن است در آن دولت دیگر و طبق قوانین داخلی آن مشمول مالیات تکلیفی شود، اما این مالیات از هفت درصد (۷٪) میزان منافع پس از کسر مالیات وضع شده بر درآمد شرکت در آن دولت دیگر تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۱۱- هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- مع‌ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن کشور نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداخت شده به دولت یا بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۴- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت

می شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۶- هزینه های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه های مالی به آن تعلق می گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه های مالی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه های مالی مذکور، در دولت متعاقد محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه های مالی که با توجه به مطالبات دینی که بابت آن پرداخت می شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲- حق الامتیازها

۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت دیگر می شود.

۲- مع ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الامتیاز مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی یا فیلمها یا نوارهای مورد استفاده برای پخش رادیویی یا تلویزیونی یا پخش ماهواره‌ای، کابلی، فیبرنوری یا فناوری مشابه مورد استفاده برای پخش برنامه‌های عمومی، نوارهای مغناطیسی، لوح فشرده یا لوحهای فشرده لیزری (نرم‌افزار)، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرایند سری، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی، کشاورزی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی، کشاورزی یا علمی (دانش فنی) و همچنین کمکهای فنی اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۵- حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، خود آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. معذک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت مرتبط با آن باشد که متعهد پرداخت حق الامتیاز بوده و پرداخت این حق الامتیازها بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، چنین حق الامتیازی در دولتی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق‌الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها حق‌الامتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به‌منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۳- عواید حاصل از نقل و انتقال کشتی‌ها یا وسائط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها یا وسائط نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

۴- عواید حاصل از نقل و انتقال سهام سرمایه شرکتی که دارایی آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در یک دولت متعاقد تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاقد می‌شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) این ماده فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که انتقال دهنده مقیم آن است.

ماده ۱۴- خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود به استثنای موارد زیر که درآمد مزبور در دولت متعاهد دیگر نیز مشمول مالیات می‌گردد:

الف- این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود، یا

ب- در صورتی که اقامت شخص در دولت متعاهد دیگر در یک یا چند نوبت برابر یا بیش از یکصد و هشتاد و سه روز در یک دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد باشد، در این صورت فقط آن میزان از درآمد مزبور که از فعالیت‌های انجام شده وی در دولت متعاهد دیگر حاصل گردد مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی یا آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، وکلای دادگستری، مهندسان، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵- خدمات شخصی غیرمستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹)، (۲۰) و (۲۱)، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت

متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت دیگر می شود.

۲- علی رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف- جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سر برده است از یکصد و هشتاد و سه روز، در دوره دوازده ماهه ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند و

ب- حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت دیگر نیست پرداخت شود و

پ- پرداخت حق الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- علی رغم مقررات یادشده در این ماده، حق الزحمه پرداختی بابت استخدام در کشتی یا وسائط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

ماده ۱۶- حق الزحمه مدیران و مقامات عالی رتبه مدیریتی

۱- حق الزحمه مدیران و پرداخت های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می نماید، مشمول مالیات آن دولت دیگر می شود.

۲- حقوق، دستمزد و سایر پرداخت های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان مقام عالی رتبه مدیریتی شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می نماید، مشمول مالیات آن دولت دیگر می شود.

ماده ۱۷- هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد مشمول مالیات دولت متعهادی می‌شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیت‌های خود در یک دولت متعاقد کسب می‌نماید در صورتی که هزینه‌های مسافرت وی به آن کشور کلاً یا عمدتاً از محل بودجه عمومی دولت دیگر، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آن یا مؤسسه‌ای که به عنوان مؤسسه‌ای غیرانتفاعی شناخته شده باشد تأمین گردد، از شمول بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌باشد. در این صورت درآمد مزبور فقط در دولت متعاقد محل اقامت هنرمندان یا ورزشکاران مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۸- حقوق بازنشستگی و پرداخت‌های تأمین اجتماعی

۱- با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹) حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به‌ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۲- حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابهی که توسط یک دولت متعاقد یا یکی از تقسیمات فرعی سیاسی به‌صورت دوره‌ای یا موردی بابت بیمه حوادث شخصی پرداخت می‌شود فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

۳- علی‌رغم مقررات بند (۱) حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب قانون تأمین اجتماعی یک دولت متعاقد فقط در آن دولت مشمول مالیات می‌گردد.

ماده ۱۹ - خدمات دولتی

۱-

الف - حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی (به غیر از حقوق بازنشستگی) توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب - مع‌ذلک، در صورتی که خدمات در دولت متعاقد دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص مقیم:

- تابع آن دولت بوده و یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲-

الف - هرگونه حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدماتی که برای آن دولت یا تقسیم فرعی و یا مقام مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب - مع‌ذلک، چنانچه شخص حقیقی مقیم و تبعه آن دولت دیگر باشد، حقوق بازنشستگی مذکور فقط در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود.

۳- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی و حقوق بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰- محصلین و کارآموزان

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست به سر می برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت های مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

۲- علاوه بر آن در مورد کمک هزینه ها، بورسهای تحصیلی و حق الزحمه های پرداختی بابت اشتغال که شامل بند (۱) نباشد، محصل یا کارآموز موصوف در بند (۱) در طول مدت این تحصیل یا کارآموزی، از معافیت ها، بخشودگی ها یا تخفیفات مالیاتی یکسان با مقیمین دولتی که در آن حضور دارد بهره مند خواهد شد.

ماده ۲۱- مدرسین و محققین

۱- هر شخص حقیقی که به دعوت یک دولت متعاقد، دانشگاه، نهاد آموزشی یا هر مؤسسه فرهنگی غیرانتفاعی دیگر آن دولت، در اجرای برنامه مبادله فرهنگی و صرفاً به منظور تدریس، ارائه کنفرانس یا انجام تحقیقات در آن مؤسسه برای دوره ای که از دو سال تجاوز ننماید در کشور مذکور حضور یابد و بلافاصله قبل از حضور، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد، از مالیات بر حق الزحمه دریافتی بابت این فعالیت ها در دولت متعاقد نخست معاف خواهد بود، مشروط بر اینکه این حق الزحمه ها از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

۲- مقررات بند (۱) در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می باشند مجری نخواهد بود.

ماده ۲۲- سایر درآمدها

۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده این درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن پرداخت شده است با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات مواد (۷) و (۱۴) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۳- آیین حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد، مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. مع ذلک، اینگونه کسورات نباید از میزان مالیات بر درآمدی که در آن دولت دیگر پیش از کسر به آن درآمد تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقیمانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آنکه سنگین تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت

دیگر تحت همان شرایط، به ویژه در خصوص اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- اشخاص بدون تابعیتی که مقیم یک دولت متعاقد می‌باشند در هر یک از دو دولت متعاقد مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزاماتی مربوط به آنکه سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که اتباع آن دولت تحت همان شرایط، به ویژه در مورد اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود.

۳- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حقوق‌الامتیاز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۶- در هیچ‌صورتی چنین تلقی نخواهد شد که مقررات این ماده مانع

دولت‌های متعاقد در موارد زیر باشد:

- وضع مالیات موضوع بند (۶) ماده (۱۰)

- اعمال مقررات قانون داخلی یکسان در مورد سرمایه‌گذاری رقیق و

قیمت‌گذاری انتقالات برای شرکتهای خارجی

۷- علی‌رغم مقررات ماده (۲)، مقررات این ماده در مورد هر نوع مالیات با

هر تعریفی مجری خواهد بود.

ماده ۲۵- آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت

متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق

با مقررات این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف‌نظر از طرق احقاق حق

پیش‌بینی‌شده در قوانین داخلی دولتهای مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام

صلاحیت‌دار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱)

ماده (۲۴) باشد به مقام صلاحیت‌دار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید.

اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات

مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیت‌دار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه‌حل

مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد،

خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیت‌دار دولت متعاقد دیگر

موضوع را فیصله دهد. هرگونه توافق حاصله علی‌رغم محدودیت‌های زمانی

موجود در قانون داخلی دولتهای متعاقد به مورد اجراء گذاشته خواهد شد.

۳- مقامات صلاحیت‌دار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه

مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه

فیصله دهند. آنها همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که

در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیت‌دار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در

موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیت‌دار با

مشورت یکدیگر، آیینها، شرایط، روشها و فنون مقتضی را برای اجرای آیین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می‌آورند.

ماده ۲۶- تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی دولتهای متعاهد غیرمغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یادشده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف- اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.

ب- اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ- اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط‌مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۷- اعضای هیاتهای نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیاتهای نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸- لازم‌الاجراء شدن

۱- دولتهای متعاقد طبق قوانین و مقررات خود این موافقتنامه را تصویب و اسناد تصویب را در اسرع وقت مبادله خواهند کرد.

۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن به شرح زیر به مورد اجرا گذارده خواهد شد:

الف- در مورد مالیات‌های تکلیفی:

- در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مبالغ حاصل از اول فروردین (مطابق با بیست و یکم مارس) یا پس از آن در سال تقویمی، متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد،

- در مغرب نسبت به مبالغ پرداختی یا اعتبار منظور شده از اول ژانویه (مطابق با یازدهم دی‌ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد.

ب- در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد:

- در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مالیات‌های متعلقه در هر دوره مالیاتی که از اول فروردین (مطابق با بیست و یکم مارس) یا پس از آن در سال تقویمی، متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، شروع می‌شود،

- در مغرب نسبت به هر سال یا دوره مالیاتی که از اول ژانویه (مطابق با یازدهم دی‌ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، شروع می‌شود.

ماده ۲۹ - فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هریک از دولتهای متعاقد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجراء می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی:

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مبالغ حاصل از اول فروردین (مطابق با بیست و یکم مارس) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت مزبور تسلیم شده است،

- در مغرب، نسبت به مبالغ پرداختی یا اعتبار منظور شده از اول ژانویه (مطابق با یازدهم دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت مزبور تسلیم شده است.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد:

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مالیاتهای متعلقه در هر دوره مالیاتی که از اول فروردین (مطابق با بیست و یکم مارس) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت مزبور تسلیم شده است، شروع می شود،

- در مغرب، برای هر سال یا دوره مالیاتی که از اول ژانویه (مطابق با یازدهم دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت مزبور تسلیم شده است، شروع می شود.

در تأیید مراتب فوق امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این موافقتنامه در تهران در دو نسخه در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۶ هجری شمسی برابر با ۲۰۰۸/۲/۲۵ میلادی به زبانهای فارسی، عربی، فرانسوی و انگلیسی تنظیم

گردید که همه متون از اعتبار یکسانی برخوردار می‌باشند. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت	از طرف دولت
پادشاهی مغرب	جمهوری اسلامی ایران
دکتر عبداللطیف معزوز	دکتر سید مسعود میرکاظمی
وزیر تجارت خارجی	وزیر بازرگانی

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و نه ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و چهارم آبان ماه یکهزار و سیصد و نود و پنج مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. /ص

الله
علی لاریجانی